



Taliban Takeover and Migration to Iran: A Qualitative Study of Dimensions and Factors of Migration Decision-making among Afghan Immigrants in Tehran¹

Rasoul Sadeghi¹ | Leila Zandi-Navgran²

1. Associate Professor, Department of Demography, Faculty of Social Sciences, University of Tehran & National Institute for Population Research, Tehran, Iran. Email: rasasadeghi@ut.ac.ir

2. Corresponding author, Postdoctoral researcher, Department of Demography, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: doniazandy2007@yahoo.com

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article Article history: Received: 2025/01/21 Revised: 2025/07/22 Accepted: 2025/08/30 Published online: 2025-9-20 Keywords: International migration, Forced migration, War, Insecurity, Afghan migrants, Taliban..	This study explores the dimensions and processes driving the recent influx of Afghan migrants to Tehran following the Taliban's takeover in 2021. Using a data-driven constructivist approach, the article aims to explore the understanding and experiences of Afghan migrants, starting from their decision to migrate during the Taliban's ascension in Afghanistan. Data was collected through semi-structured in-depth interviews with 25 participants in Tehran city. Based on the results of data analysis, 11 themes were extracted. These themes, including the same religion and language, economic/capabilities, insecurity and collective fear, social and ethnic constraints, poverty and unemployment, proximity to Iran, easier entry to Iran, educational facilities in Iran, absence of war in Iran, and ultimately the central theme of "involuntary migration", have practical implications for understanding and addressing migration patterns and factors. These findings offer practical insights into understanding and addressing migration trends and drivers. The study reveals that recent Afghan migrants to Iran have predominantly been compelled to flee due to insecurity, social biases, economic hardships, and limited migration options to other countries. Recommendations include enhancing security in Afghanistan, facilitating voluntary repatriation and reintegration of recent migrants, and considering selective residency options for certain migrants to manage the current migration flow effectively.
Cite this art: Sadeghi, R.& Zandi-Navgran, L, (2025) Taliban Takeover and Migration to Iran: A Qualitative Study of Dimensions and Factors of Migration Decision-making <i>Journal of Social Problems of Iran</i>, 16 (1),71-93. https://doi.org/10.22059/IJSP.2025.389154.671287	
© The Author(s). Publisher: University of Tehran Press. DOI: https://doi.org/10.22059/IJSP.2025.389154.671287	

¹ This work is based upon research funded by the Iran National Science Foundation (INSF) under project No.4035947



تسلط مجدد طالبان و مهاجرت به ایران:

مطالعه کیفی ابعاد و بسترهای تصمیم به مهاجرت در میان اتباع افغانستانی در شهر تهران^۱رسول صادقی^۱ | لیلا زندی ناوگران^۲ ✉

۱. دانشیار جمعیت‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، و موسسه تحقیقات جمعیت کشور، تهران، ایران. رایانامه: rassadeghi@ut.ac.ir
 ۲. نویسنده مسئول، محقق پسادکتر جمعیت‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران. تهران، ایران. رایانامه: Doniazandy2007@yahoo.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	این مقاله به دنبال واکاوی ابعاد و فرایند موج اخیر مهاجرتی از افغانستان به شهر تهران بعد از روی کار آمدن مجدد طالبان است. مطالعه با استفاده از رویکرد نظریه داده‌بنیاد بر ساخت‌گرا این مقاله می‌خواهد درک و تجربه مهاجران افغانستانی ساکن در تهران را از تصمیم‌گیری به مهاجرت در زمان قدرت گرفتن مجدد طالبان در افغانستان کندوکاو کند. برای این منظور، اطلاعات مورد نیاز از طریق مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته با ۲۵ مشارکت‌کننده در شهر تهران گردآوری شد. برپایه نتایج تحلیل داده‌ها، ۱۱ مقوله استخراج شد که عبارتند از: هراس جمعی، محدودیت‌ها و تعصبات اجتماعی، فقر و بیکاری، همجواری با ایران، ورود آسان‌تر به ایران، امکانات آموزشی ایران، نبود جنگ و ناامنی در ایران، دین و زبان مشترک، و مضیقه اقتصادی. در نهایت مقوله مرکزی "مهاجرت غیرارادی" به دست آمد. از اینرو، مهاجران اخیر افغانستانی به ایران بعد از قدرت گرفتن طالبان عمدتاً به دلیل ناامنی و هراس جمعی، تعصبات اجتماعی و قومی، فقر و بیکاری، نداشتن قابلیت مهاجرت به کشورهای دیگر، مجبور به مهاجرت به ایران شده‌اند. برقراری امنیت پایدار در افغانستان، بازگشت داوطلبانه و بازادغام مهاجران موج اخیر و در نهایت اعطای اقامت‌گزینی به برخی از مهاجران در جهت مدیریت جریان اخیر مهاجرتی پیشنهاد می‌شود.
تاریخ ارسال: ۱۴۰۳/۱۱/۲	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۴/۳۱	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۸	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۶/۲۹	
کلیدواژه‌ها:	
مهاجرت بین‌المللی، مهاجرت اجباری، جنگ، ناامنی، مهاجران افغانستانی، طالبان.	

استناد: صادقی، رسول؛ و زندی ناوگران، لیلا (۱۴۰۴). تسلط مجدد طالبان و مهاجرت به ایران: مطالعه کیفی ابعاد و ...، بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۱۶(۱)، ۷۱-۹۳.
<https://doi.org/10.22059/IJSP.2025.389154.671287>



ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. © نویسندگان.

DOI: <https://doi.org/10.22059/IJSP.2025.389154.671287>

^۱ این اثر تحت حمایت مادی بنیاد ملی علم ایران (INSF) برگرفته شده از طرح شماره "۴۰۳۵۹۴۷" انجام شده است.

مقدمه و بیان مسئله

امروزه مهاجرت‌های بین‌المللی به یکی از موضوعات کلیدی در سطح ملی و جهانی تبدیل شده است. مهاجرت بین‌المللی عمدتاً توسط عوامل ساختاری مانند تقاضای بازار کار، نابرابری در ثروت بین کشورهای غنی و فقیر، و همچنین جنگ و درگیری‌ها در کشورهای مبدأ انجام می‌شود (Czaika & De Haas, 2013). افغانستان یکی از بزرگترین و باسابقه‌ترین کشورهای مهاجرفرست جهان به‌ویژه در حوزه مهاجرت اجباری است. تاکنون، پنج موج مهاجرتی بزرگ مهاجران افغانستانی به خاطر ناامنی‌ها و درگیری‌های مداوم در افغانستان به ایران صورت گرفته است: اولین و بزرگترین موج مهاجرتی به خاطر تجاوز شوروری به افغانستان از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۸، دومین موج در جریان درگیری بین دولت نجیب الله و مجاهدین سال ۱۳۷۰-۱۳۶۷، سومین موج درگیری‌های میان جناحی و ظهور جنبش طالبان در دوره ۷۹-۱۳۷۲ و چهارمین موج در زمان مداخله ائتلاف و سرنگونی طالبان در سال ۱۳۸۰ بوده است (United Nations High Commissioner for Refugees, 2004). پنجمین موج مهاجرتی نیز در سال ۱۴۰۰ در پی قدرت گرفتن مجدد طالبان در افغانستان شکل گرفت. بر اساس آمار و اطلاعات آژانس پناهندگان سازمان ملل (۲۰۲۳) مهاجران افغانستانی با وضعیت‌های مختلف ساکن ایران ۳ میلیون نفر هستند، البته آمار وزارت کشور حدود ۶ میلیون نفر را نشان می‌دهد.

در اواخر دهه ۱۳۷۰ دولت ایران تلاش‌های سازمان‌یافته برای بازگشت پناهندگان افغانستانی آغاز کرد. زیرا جنگ اتحاد جماهیر شوروی که بحران پناهندگان افغانستانی را ایجاد کرده بود، به پایان رسید و افغانستان برای بازگشت پناهندگان به اندازه کافی امن بود (Banerjee et al, 2005: 30). برای تسهیل و ترغیب بازگشت پناهندگان افغانستانی به کشورشان، ایران به برنامه کمیسون سه جانبه با دولت افغانستان و کمیساریای عالی پناهندگان پیوست (Olszewska& Adelkhah, 2007; Rajaei, 2000).

در طول سال ۱۳۷۱، بیش از ۳۰۰ هزار مهاجر افغانستانی داوطلبانه برگشتند. در حالی که در سال ۱۳۷۴ دولت اعلام کرد که همه افغانستانی‌ها باید برگردند اما برنامه بازگشت تا سال ۱۳۷۷ به تعویق افتاد و بعد از آن دو برنامه بازگشت مشترک با کمیساریای عالی پناهندگان دوباره از سر گرفته شد. از اوایل دهه ۱۳۸۰ ایران قوانین خود را در مورد اشتغال اتباع بیگانه به شدت تشدید کرد، و مجازات‌هایی را برای افرادی که از مهاجرانی که به صورت غیرقانونی استفاده می‌کنند در نظر گرفت و اشتغال مهاجران افغانستانی با کارتهای اقامت را به شانزده دسته شغلی، عمدتاً کار یدی، محدود کرد (Turton & Marsden 2002; Abbasi-Shavazi et al 2005). همچنین در سال ۱۳۸۰، ایران توافق سه جانبه با افغانستان و کمیساریای عالی امور پناهندگان را برای تسریع بازگشت مجدد مهاجران افغانستانی به امضا رساند (Barr & Sane 2013) و این برنامه تا سال ۱۳۸۴ تمدید شد. از زمان آغاز برنامه بازگشت داوطلبانه پناهندگان تا ۱۳۸۹، ۸۷۳۵۶۶ پناهنده ثبت شده افغانستان به کشور خود بازگشتند (United Nations 2021).

نتایج تحقیقات قبلی نشان می‌دهد مهاجران با طرد اجتماعی (زاهدی و همکاران ۱۳۹۴؛ بهرامی و همکاران ۱۳۹۹)، فاصله اجتماعی با بومیان، چالش‌های هویتی (فسایی و نظری ۱۳۹۵؛ فاضلی و عبدلعلی ۱۳۹۶؛ قاسمی و نادرپور ۱۳۹۸؛ روحانی و همکاران ۱۴۰۳) و مسئله‌مندی تعلق (زندى و همکاران ۱۴۰۲) روبرو هستند. از اینرو، علی‌رغم تلاش دولت برای بازگشت مهاجران، اعمال محدودیت‌های قانونی (Zandi et al 2024) و ادغام و سازگاری پایین اقتصادی - اجتماعی مهاجران افغانستانی در ایران، بعد از روی کار آمدن مجدد طالبان موج جدیدی از اتباع افغانستانی وارد ایران شدند (عباسی-شوازی و صادقی، ۲۰۱۶؛ علاالدینی و میرزایی ۱۳۹۷؛ زندى و همکاران، ۱۴۰۳). بر این اساس، در این مقاله به دنبال واکاوی ابعاد و فرایند موج اخیر مهاجرتی مهاجران افغانستانی به ایران هستیم. تصمیم‌گیری به مهاجرت مهاجران افغانستانی به ایران بعد از روی کار آمدن مجدد طالبان چگونه بوده است؟ و چه عوامل و بسترهایی در این تصمیم‌گیری دخیل بوده است؟

پیشینه پژوهش

مطالعات زیادی در زمینه عوامل موثر بر جریان‌های مهاجرت بین‌المللی در کشورهای مختلف جهان انجام شده است. بر اساس نتایج این مطالعات، می‌توان به عوامل اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، جمعیتی، اقلیمی و جنگ‌های داخلی موثر بر مهاجرت‌های بین‌المللی اشاره کرد.

در زمینه عوامل اجتماعی-فرهنگی مطالعه وایت و بالر^۱ (۲۰۱۸) نشان داده است رابطه منفی بین معیارهای ترکیبی فاصله فرهنگی و جریان‌های مهاجرتی وجود دارد. همچنین ابعاد فرهنگی که منعکس‌کننده فردگرایی، اجتناب از عدم اطمینان و نقش‌های جنسیتی درک شده هستند معمولاً در تعیین جریان‌های مهاجرتی تأثیرگذارتر از سایر ابعاد هستند. همچنین مطالعات چن^۲ و همکاران (۲۰۰۹) نشان داده است که بافت اجتماعی پیچیده و عواملی مانند قومیت، جنسیت، مسیرهای مهاجرتی متفاوت و طیف وسیعی از شرایط مرتبط با آنها بر مهاجرت تأثیر دارند. مطالعه فاگیلو و سانتیلو^۳ (۲۰۱۶) تأثیر شبکه‌های اجتماعی در مقصد را بر روی مهاجرت نشان داده‌اند. اسپنجر^۴ (۲۰۱۳) نشان داده است که جریان‌های مهاجرت بین‌کشورهایی با زبان‌های مشترک بیشتر از کشورهایی با زبان‌های غیرمرتبط است. مطالعه عباسی-شوازی و همکاران (۱۳۹۵) در بررسی ماندن یا مهاجرت دوباره مهاجران افغانستانی به ایران نشان داده‌اند که قومیت، تحصیلات، وضعیت زناشویی، ترکیب همسایگان و مدت مهاجرت در ایران اثری ماندگار بر نیت بازگشت‌کنندگان به ایران داشته است.

در زمینه عوامل اقتصادی مطالعه گیسارو^۵ و همکاران (۲۰۱۹) نشان داده است که مهاجرت فرامرزی، در جهت‌های مختلف، تحت تأثیر درجه یکپارچگی اقتصادی بین اقتصادهای مبدا و مقصد، به‌ویژه از طریق تجارت دوجانبه و پیوندهای زنجیره ارزش، قرار می‌گیرد. میهی و همکاران^۶ (۲۰۱۷) بیان می‌کنند که آزادی اقتصادی تأثیر مثبت بسیار قوی بر مهاجرت برای همه کشورها دارد، ارتباط آن در گروه فقیرترین کشورها بیشتر است. اورتپا و فری^۷ (۲۰۱۳) بیان می‌کنند که جریان‌های مهاجرت بین‌المللی به درآمد سرانه در مقصد بسیار بستگی دارد. کارلوس^۸ (۲۰۲۲) به کمبود نیروی کار به دلیل عدم تعادل بین نرخ رشد جمعیت، نیروی کار و شرایط اقتصادی اشاره کرده است. اسپنجر^۹ (۲۰۱۳) نشان می‌دهد که عوامل اقتصادی در تجزیه و تحلیل جریان‌های مهاجرت قابل توجه است، افراد تقریباً همیشه به منظور بهبود شرایط مادی خود مهاجرت می‌کنند، احد^{۱۰} (۲۰۱۵) نشان داده است که تورم، وجوه ارسالی و بیکاری باعث مهاجرت در کوتاه مدت و بلندمدت می‌شود. موریزو^{۱۱} (۲۰۱۱) بیان می‌کند که شکاف درآمدی، بیش از تفاوت فرصت‌های شغلی، مهم است و بیشترین واکنش را در جریان‌های مهاجرت منطقه‌ای ایجاد می‌کند. جانزاده (۱۳۹۹) در بررسی عوامل داخلی، منطقه‌ای و جهانی موثر بر مهاجرت افغانستانی‌ها به ایران بیان کرده‌اند که فقر و مشکلات اقتصادی در افغانستان از عوامل داخلی موثر بر مهاجرت افغانستانی‌ها به ایران است.

¹ White & Buehler

² Chen

³ Fagiolo & Santoni

⁴ Sprenger

⁵ Kikkawa

⁶ Mihi-Ramírez

⁷ Ortega & Peri

⁸ Carlos

⁹ Sprenger,

¹⁰ Ahad

¹¹ Maurizio

در زمینه عوامل سیاستی مطالعه کزیکا و دی هاس^۱ (۲۰۱۴) نشان می‌دهد که سیاست‌های ویزای سفر به طور قابل توجهی جریان ورودی را کاهش می‌دهد، اما این اثر تا حد زیادی با کاهش جریان خروجی همان گروه‌های مهاجر تضعیف می‌شود. الگرین^۲ (۲۰۱۴) نشان داده‌اند که مهاجرت مستمر از مغرب نه تنها توسط استراتژی‌های دولت‌های اروپایی بلکه توسط دولت‌های مغرب شکل گرفته است. نتایج تحقیقات دی هاس^۳ و همکاران (۲۰۱۹) نشان داده است که توسعه اقتصادی و انسانی در جوامع کم درآمد، مهاجرت را تقویت می‌کند، زیرا توانایی‌ها و آرزوهای مردم را برای مهاجرت افزایش می‌دهد و اینکه مرزها فراتر از کنترل هستند و سیاست‌های مهاجرت تاحدودی موثر هستند. کازیکا و هوربوس (۲۰۱۴) به اثر بازدارندگی سیاست پناهندگی پرداخته‌اند و نشان دادند که افزایش ده درصدی در عدم موافقت با پناهندگی، تعداد مهاجران غیرقانونی (دستگیری شده) را به طور متوسط حدود سه درصد افزایش می‌دهد.

در زمینه عوامل جمعیتی پژوهش دارکا و وتر^۴ (۲۰۱۵) نشان می‌دهد که درصد بیکاری، حواله‌های مهاجران و رشد جمعیت، عوامل کلیدی مهاجرت از نیجریه به سایر کشورها هستند. گامچو و گوشو^۵ (۲۰۱۷) بیان کرده‌اند که ویژگی‌های جمعیتی خانوار نظیر سن، سطح تحصیلات و شغل سرپرست خانوار و بعد خانوار از عوامل تعیین کننده مهاجرت بین المللی هستند. مایدا^۶ (۲۰۲۲) بیان می‌کند در کنار فرصت‌های درآمدی کشور مقصد و تاثیر هزینه بر مسافت، سهم جمعیت جوان کشور مبدا تعیین کننده مهمی در نرخ مهاجرت است. کوین و وانلاتوم^۷ (۲۰۲۰) به بررسی تاثیر عوامل جغرافیای، جمعیتی، زبان، بازار و مهاجرت زنجیره‌ای در مهاجرت بین‌المللی پرداخته‌اند که در میان همه عوامل، ویژگی‌های جغرافیایی کشورهای مقصد، و مهاجرت‌های گذشته از قوی‌ترین و مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر جریان مهاجرت بین کشوری هستند.

در زمینه عوامل اقلیمی مطالعه بین و پاسونز^۸ (۲۰۱۷) نشان داده است که بلایای طبیعی مهاجرت به کشورهای همسایه را تحریک می‌کند. بین و پارسونز (۲۰۱۵) نشان داده‌اند که عوامل محیطی اثرات غیر مستقیمی از طریق دستمزد و بازار کار بر مهاجرت دارند و شواهد قوی وجود دارد که بلایای طبیعی جریان بیشتری از مهاجران را به محیط‌های شهری ایجاد می‌کند. نتایج مطالعه گرو^۹ و همکاران (۲۰۱۷) نشان داده است در کنار متغیرهای مربوط به تولید ناخالص داخلی و بدهی عمومی و امید زندگی، پایداری محیطی (سطوح آلودگی) نقش تعیین کننده ای در مهاجرت دارد.

همچنین تحقیقات نشان داده است که جنگ داخلی محرک اصلی مهاجرت (اجباری) بین‌المللی است (Davenport et al., 2003; Melander & Oberg, 2004; Neumayer, 2005; Moore & Shellman, 2007; Czaika & Kis-Katos, 2009; Hatton, 2009). براک و همکاران (۲۰۱۸) نشان داده‌اند که جریان‌های مهاجرت اجباری را نمی‌توان به راحتی با سیاست‌های کشور مقصد متوقف کرد، و اینکه جلوگیری از تشدید درگیری در مبدا برای جلوگیری از مهاجرت اجباری مهم است. افغانستان در طول چند دهه گذشته که مهاجران افغانستانی به ایران مهاجرت کرده‌اند با چندین حنگ داخلی همچون درگیری بین دولت نجیب‌الله و

¹Czaika & de Haas

²Algerian

³De Haas,

⁴Darkwah & Verter

⁵Gemecho, & Goshu,

⁶Mayda

⁷Klein & Van Lottum

⁸Beine, & Parsons

⁹Grau

مجاهدین در سال ۱۳۶۷، درگیری های میان جناحی در سال ۱۳۷۲، مداخله ائتلاف و سرنگونی طالبان در سال ۱۳۸۰ و در سال ۱۴۰۰ درگیری بین طالبان و دولت مرکزی روبرو بوده است. همچنین مطالعه محمدی و همکاران (۱۳۹۸) نشان داده است که بی ثباتی سیاسی از عوامل داخلی برای مهاجرت افغانستانی ها به ایران است. مطالعه دشتی (۲۰۲۲) در بررسی مهاجرت های خارجی افغانستان در روند تاریخی و مطالعه هاشمی و اوزی^۱ (۲۰۲۰) در بررسی عوامل سیاسی مهاجرت افغان ها نشان داده اند که بی ثباتی سیاسی و اقتصادی از فاکتورهای مهم مهاجرت افغانستانی هستند.

علی رغم مطالعات متعدد انجام شده در حوزه عوامل یا محرک های مهاجرت های بین المللی، تلاش برای بررسی آن با استفاده از روش کیفی و دیدگاه خرد کمتر صورت گرفته است. بنابراین در این تحقیق براساس رویکرد کیفی به بررسی چرایی و چگونگی مهاجرت اخیر مهاجران افغانستانی به ایران در زمان قدرت گرفتن مجدد طالبان در افغانستان خواهیم پرداخت.

ملاحظات نظری

پژوهش حاضر یک مطالعه کیفی است و از همین رو نظریه های موجود عمدتاً با هدف آشنایی مفهومی و حساسیت نظری مختصراً مرور شده اند. نظریه های متفاوتی برای درک کلی از چرایی مهاجرت های بین المللی مطرح شده است که این نظریه ها را براساس دیدگاه هازدیک^۲ (۲۰۱۴) می توان به مدل های رفتارگرا و تعادلی، نظریه بازارکار دوگانه، و نظام مهاجرتی دسته بندی کرد. مدل های رفتارگرا و تعادلی شامل: نظریه نئوکلاسیک، نظریه اقتصاد جدید مهاجرت، و مدل جاذبه و دافعه است. نظریه نئوکلاسیک تأثیر مهاجرت نیروی کار بر توسعه اقتصادی را توضیح می دهد (Arango, 2000; Lewis, 1954; Todaro, 1976; van Naerssen, Spaan, & Zoomers, 2008). بر اساس این نظریه در سطح کلان علت مهاجرت بین المللی عدم تعادل جغرافیایی بین تقاضا و عرضه نیروی کار است و در سطح خرد، نظریه مهاجرت نئوکلاسیک، مهاجران را به عنوان بازیگرانی فردی، منطقی می بیند که تصمیم می گیرند براساس محاسبه هزینه و فایده مهاجرت کنند. هریس و تودارو (۱۹۷۰) تأکید می کنند که تصمیم برای مهاجرت به شدت تحت تأثیر فرصت های شغلی در دسترس مهاجر و تفاوت های درآمد مورد انتظار است. فرض اصلی دیگری که در نظریه نئوکلاسیک مطرح است اینست که جریان مهاجرت بین المللی در درجه اول در بازارهای کار اتفاق می افتد و سایر بازارها نقش کلیدی در رابطه با مهاجرت بین المللی ندارند (Massey et al 1993). نظریه اقتصاد جدید مهاجرت، مهاجرت را به عنوان یک استراتژی جمعی خانوار برای غلبه بر شکست های بازار و گسترش ریسک های درآمدی تصور می کند، نه واکنشی صرف از افراد برای به حداکثر رساندن درآمد به تفاوت های دستمزد مورد انتظار (Stark 1991; Stark & Bloom 1985; Taylor 1999). همچنین این نظریه استدلال می کند که نابرابری درآمد و محرومیت نسبی در جوامع فرستنده، محرک های اصلی مهاجرت هستند (Skeldon 2010; Stark & Taylor 1989). از طریق حواله، مهاجرت همچنین می تواند یک استراتژی معیشتی باشد که توسط خانواده ها و خانوارها برای افزایش سرمایه گذاری در صورت شکست بازارهای اعتباری استفاده می شود. این نظریه برای توضیح مهاجرت در کشورهای در حال توسعه و سایر موقعیت هایی که در آن مهاجران با محدودیت ها و خطرات قابل توجهی روبرو هستند، مرتبط به نظر می رسد، و بنابراین به نظر می رسد برای اشکال مهاجرت غیرکارگری مانند مهاجرت پناهندگان نیز قابل استفاده باشد (De Haas 2010;). مدل جاذبه و دافعه، مهاجرت را تابعی از عدم تعادل های فضایی می داند. این مدل معمولاً عوامل مختلف اقتصادی، محیطی و جمعیتی را شناسایی می کنند که فرض می شود مهاجران را از مکان های مبدا بیرون می کند و

¹ Özey

² Huzdik

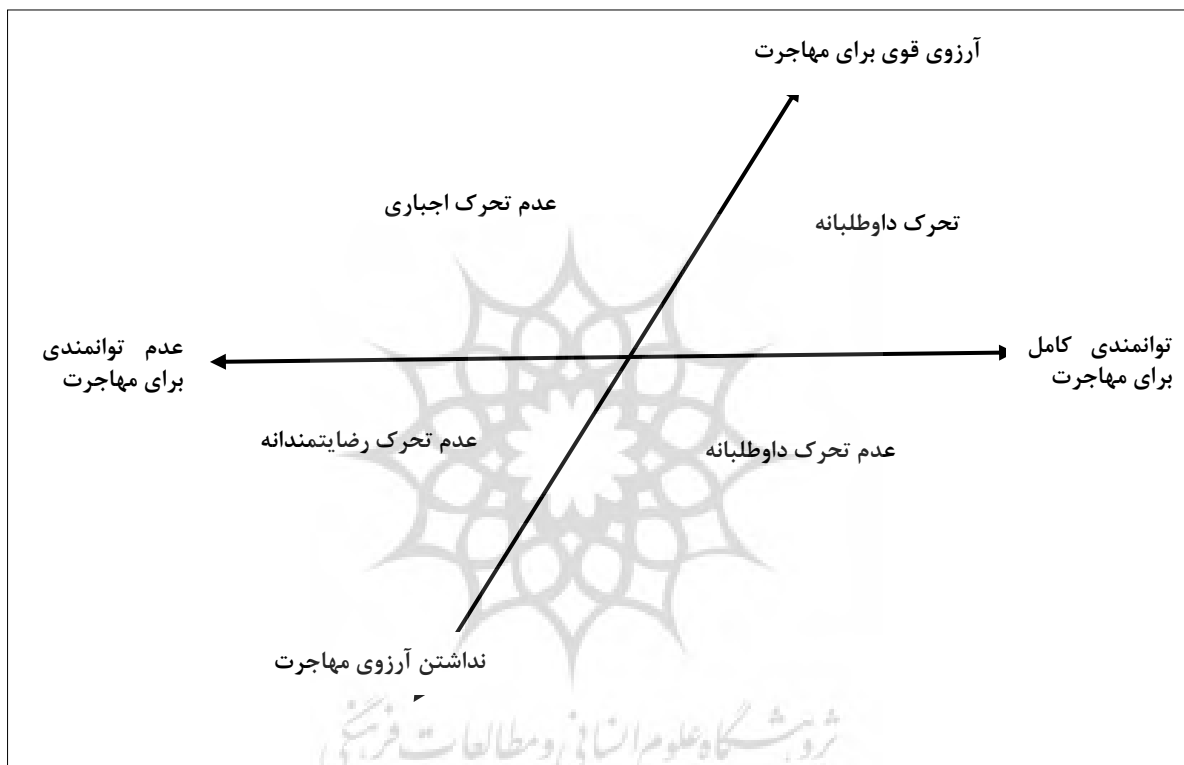
آنها را به مکان‌های مقصد می‌کشاند. مدل‌های جاذبه و دافعه تمایل دارند ثابت باشند و مهاجران را به عنوان "افراد منفعل" نشان دهند که هیچ عاملیتی ندارند (De Haas, 2010).

نظریه بازار کار دوگانه: در این دیدگاه استدلال می‌شود که مهاجرت بین‌المللی عمدتاً توسط عوامل کششی (بازار کار) هدایت می‌شود. تقسیم‌بندی بازارهای کار، تقاضای دائمی برای نیروی کار ارزان مهاجر در بازار کار "ثانویه" ایجاد می‌کند تا مشاغل را اشغال کنند که کارگران "بومی" از آنها اجتناب می‌کنند. تقاضا برای مهاجران با مهارت پایین مربوط به بخش خاصی است و از نظر ساختاری در ساختارهای بازار کار و سلسله مراتب اجتماعی-فرهنگی جا افتاده است (Massey et al 1993).

سیستم‌های مهاجرت شامل: نظریه نظام جهانی، نظریه شبکه، نظریه نهادی و نظریه علیت تجمعی است. رویکرد سیستم‌های مهاجرت بیان می‌کند که مهاجرت به تغییر شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نهادی در هر دو کشور پذیرنده و فرستنده بستگی دارد. تمرکز رویکرد سیستمی بر پیوندهای کلان و خرد مکان‌های مرتبط با فرآیند مهاجرت است (Fawcett & Arnold, 1992; Kritz, Lim, & Zlotnik, 1987). عوامل سطح خرد شامل سیستم‌های خویشاوندی و دوستی است، در حالی که عوامل سطح کلان بر اقتصاد، سیستم‌های سیاسی، سیاست‌های ملی مهاجرت، و سیستم‌های فرهنگی و اجتماعی تمرکز دارند. نظریه شبکه بیان می‌کند که مهاجرت نه تنها یک محصول اقتصادی و سیاسی است، بلکه مهمتر از آن، یک محصول اجتماعی است زیرا بر وجود شبکه‌های اجتماعی متکی است. همچنین اهمیت منابع اجتماعی را در فرآیند مهاجرت به رسمیت می‌شناسد (De Haas 2010). آرانگو (۲۰۰۰) شبکه مهاجرت را به عنوان "مجموعه‌ای از روابط بین فردی که مهاجران را با اقوام، دوستان یا هموطنان خود در خانه که اطلاعات را منتقل می‌کنند، پشتیبان‌های مالی ارائه می‌دهند و فرصت‌های شغلی و اسکان را به روش‌های مختلف حمایتی تسهیل می‌کنند، مرتبط می‌کند" تعریف می‌شود. این شبکه‌ها هزینه‌ها و خطرات جابجایی افراد را کاهش می‌دهند و بازده خالص مورد انتظار مهاجرت را افزایش می‌دهند (Massey et al 1993). نظریه نهادی بیان می‌کند که بسیاری از سازمان‌های انتفاعی و غیرانتفاعی به منظور رسیدگی به مسائل مهاجران و کارفرمایان تأسیس شده‌اند. اکثر سازمان‌های غیرانتفاعی بر جنبه انسان دوستانه مهاجران تأکید دارند، در حالی که سازمان‌های سودجو همراه با کارآفرینان خصوصی، عبور از مرزها، جعل اسناد قانونی و مسافرتی، تنظیم ازدواج بین مهاجران و بومیان قانونی/شهروندان مقصد را با ارائه تسهیلات اعتباری با نرخ‌های سود بالا و در ازای کارمزد را تسهیل می‌کنند (Massey et al 1993). نظریه علیت تجمعی توضیح می‌دهد که چرا یک جریان مهاجرت شروع می‌شود و به رشد خود ادامه می‌دهد (مسی و فاسل ۲۰۰۴). این نظریه بیان می‌کند که چگونه تعداد مهاجران خروجی در طول زمان افزایش می‌یابد، زیرا اولین مهاجر، سرمایه اجتماعی را برای بستگان، دوستان و دیگران در کشور مبدأ فراهم می‌کند، که در نهایت آنها را تشویق می‌کند تا به راحتی شغل پیدا کنند و با حداقل خطر در کشورهای مقصد مواجه شوند (Jennissen 2004)، این وضعیت باعث تحریک و تأثیر بیشتر افراد برای مهاجرت می‌شود.

نظریه‌های مذکور از دیدگاه‌های متفاوتی به پدیده مهاجرت بین‌المللی پرداخته‌اند، اما نقدهای به این نظریات وارد است. دی هاس (۲۰۲۱) بیان می‌کند دو پارادایم کارکردگرایی (مدل جاذبه-دافعه، نظریه نئوکلاسیک) و پارادایم ساختاری-تاریخی در ارائه درک معنادار از عاملیت انسانی ناتوان هستند. چون آنها مهاجران را به عنوان افرادی نسبتاً بی‌روح و بهینه ساز مطلوبیت یا به عنوان قربانیان نسبتاً منفعل نیروهای سرمایه‌داری جهانی توصیف می‌کنند. در انتقاد به این نظریات، مدل آرزو-قابلیت توسط کارلینگ (۲۰۰۲) مطرح شده است. مدل آرزو-قابلیت (توانمندی) ارائه یک توضیح نسبتاً قانع کننده برای تصمیمات (بی) حرکتی، به عنوان نتیجه ترکیبی از آرزوها و قابلیت‌ها ارائه می‌کند. این دیدگاه آرزو و قابلیت مهاجر را عامل مهاجرت می‌داند. آرزوها به عنوان "درک کلی این

است که یک جایگزین (اینجا، مهاجرت یا ماندن) بهتر از دیگری است". قابلیت‌ها هر چیزی است که افراد را برای جابجایی یا ماندن بالقوه توانمند می‌کند (De Haas 2021)، و به تحقق آرزوهای آنها در این زمینه کمک می‌کند (Carling 2002; Carling & Schewel 2018). ترکیب‌های ممکن مختلف از آرزوها و قابلیت‌ها انواع خاصی از مهاجرت و/یا بی‌حرکتی را ایجاد می‌کند که در شکل ۱ ارائه شده است.



به طور خاص، مدل آرزو-قابلیت (توانمندی) استدلال می‌کند که آرزوها و قابلیت‌ها به طرق مختلف در هم تنیده شده‌اند. مهمتر از همه، آرزوها اغلب با قابلیت‌ها شکل می‌گیرند (Carling 2002; Carling & Schewel 2018; De Haas 2021). حتی اگر قابلیت‌ها مستقیماً بر آرزوها تأثیر نگذارند، هم توانایی‌ها و هم آرزوها می‌توانند توسط عوامل زیربنایی یکسانی شکل بگیرند (De Haas 2021). در این دیدگاه تمام مهاجرت‌ها در میان افرادی با درجه مناسبی از قابلیت رخ می‌دهد. از این نظر، آرزوها عامل اصلی متمایزکننده انواع تحرک در امتداد تداوم اراده هستند. حرکت‌های غیرارادی آن دسته از جابجایی‌هایی هستند که افراد کم‌آرزو برای مهاجرت باید این کار را انجام دهند. در این شرایط، مهاجرت یک پیامد نامطلوب است، که احتمالاً فقط توسط رویدادها، شوک‌ها، یا شرایط خاص سیاسی، محیطی، اقتصادی، یا خانوادگی یا پیامدهای آنها تسریع می‌شود. در مقابل، مهاجرت داوطلبانه آن چیزی است که در آن افراد هم توانایی و هم آرزوی مهاجرت را دارند. کار اصلی کارلینگ (۲۰۰۲) به مفهوم‌سازی و افزایش آگاهی در مورد بی‌حرکتی غیرارادی، محصولی از قابلیت‌های کم و آرزوهای زیاد برای مهاجرت کمک کرد. شاید در اغلب موارد، بسیاری از افراد به دلیل هزینه‌های بالای مهاجرت، بی‌اختیار بی‌حرکت بمانند (Carling & Schewel 2018). علاوه بر این، افراد ممکن است به طور

متناوب توسط شوک‌های ناگهانی (مثلاً درگیری یا شرایط محیطی) یا اثرات بعدی آن‌ها بی‌حرکت شوند - آرزوهایشان برانگیخته شود و/یا توانایی‌هایشان کاهش یابد- (Piguet, 2018). بدین ترتیب، رویکردهای مختلفی به تبیین فرایند مهاجرت و تداوم آن پرداخته‌اند اما در این مطالعه بیشتر از نظریه قابلیت- آرزو برای تبیین یافته‌ها استفاده می‌شود.

روش تحقیق و داده‌ها

این تحقیق کیفی از رویکرد نظریه داده بنیاد بر ساخت‌گرا برای توضیح و درک فرایند مهاجرت استفاده می‌کند. این رویکرد ما را قادر می‌سازد تا روایت‌های از تجربیات، چالش‌ها و استراتژی‌های مهاجران در تصمیم به مهاجرت یا به عبارتی چگونگی تصمیم به مهاجرت بر اساس تجربیات ذهنی آنها درک کنیم. رویکرد بر ساخت‌گرا همچنین چارچوب‌های تفسیری محققان و تجربیات قبلی مرتبط با پدیده مورد مطالعه را در نظر می‌گیرد (Charmaz, 2005, 2008; Mills et al 2006a). این رویکرد به پدیده مورد مطالعه (تصمیم به مهاجرت) اولویت می‌دهد و داده‌ها و تحلیل‌ها را از تجربیات مشترک شرکت‌کنندگان و روابط با شرکت‌کنندگان و سایر منابع داده‌ها به دست می‌آید (Bryant, 2002, 2003; Bryant & Charmaz, 2007a, 2007b; Charmaz, 1990, 1995b, 2000a, 2001; Charmaz & Mitchell, 1996).

به منظور گردآوری داده‌ها، مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با ۲۵ مهاجر وارد شده به ایران بعد از قدرت گرفتن مجدد طالبان در افغانستان در شهر تهران انجام شد. مشارکت‌کنندگان از طریق ارتباط با افراد معتمد در بین مهاجران و معرفی توسط آنها به شیوه نمونه گیری هدفمند گلوله برفی و نمونه‌گیری نظری انتخاب شدند. در نمونه‌گیری نظری برای توسعه مقوله‌های در حال ظهور خود و برای نهایی‌تر کردن و سودمند کردن آنها، به کار گرفته می‌شود و این روش نمونه‌گیری به ما در شناسایی مرزهای مفهومی و تعیین انطباق و تناسب مقوله‌ها کمک می‌کند (Charmaz, 2005). مدت انجام مصاحبه‌ها از یک تا دو ساعت متغیر بود، مصاحبه‌ها در کافه‌ها، مکان‌های عمومی (مانند مدرسه، پارک و غیره) انجام شد. در خصوص برخی از مصاحبه‌ها که نیاز به مراجعه مجدد برای تکمیل اطلاعات بود، در مواردی این کار به صورت غیرحضور و به کمک شبکه‌های مجازی انجام شد.

تحلیل ابعاد هر مقوله و غنا بخشیدن به کدها و مفاهیم ذیل آن نمونه‌گیری تا رسیدن به مرحله اشباع داده‌ها ادامه یافت. تلاش شد تا تنوعی از افراد در نمونه مورد بررسی باشند؛ از سنین ۱۸ تا ۵۰ سال، با وضعیت‌های مختلف اقامتی و اجتماعی همچنین جنسیت، و قومیت نیز مدنظر بوده است. همانطور که در جدول ۲ مشخص است مشارکت‌کنندگان در این تحقیق ۲۵ نفر بوده که ۸ نفر زن و ۱۷ نفر مرد بوده‌اند. بیشتر آنها متاهل بوده و تقریباً نیمی به شکل فردی و نیمی از آنها به صورت خانوادگی به ایران مهاجرت کرده‌اند. بیشتر افراد شرکت‌کننده (۱۵ نفر) به صورت غیرقانونی وارد کشور شده‌اند.

جدول ۲. ویژگی‌های جمعیتی مشارکت‌کنندگان در پژوهش (تعداد نمونه ۲۵)

مشخصه های جمعیتی	تعداد	درصد
جنسیت	۸	۳۲٪ زن
		۳۸٪ مرد
سن	۵	۲۴-۱۵ سال ۲۰٪
		۲۹-۲۵ سال ۲۰٪
		۳۴-۳۰ سال ۱۶٪
		۳۵-۳۹ سال ۱۶٪
		۴۰ سال و بالاتر ۲۰٪
وضعیت تاهل	۱۱	۴۴٪ مجرد
		۵۶٪ متاهل
نوع مهاجرت	۱۳	۵۲٪ فردی
		۴۸٪ خانوادگی
نوع ورود	۱۰	۴۰٪ قانونی (با ویزا)
		۶۰٪ قاچاق

برای ارزیابی و اعتباریابی مقوله‌ها از ملاک لینکون و گوبا^۱ (۱۹۸۵) از معیار "اعتمادپذیری یا قابلیت اعتماد" استفاده شده است. معیار قابلیت اعتماد شامل چهار معیار باورپذیری، اطمینان پذیری، تاییدپذیری و انتقال پذیری است. در معیار باورپذیری داده‌ها همساز و همبسته هستند و این باورپذیری از طریق حفظ و گسترش ارتباط با پاسخگویان، مشاهده دیرپا و مصرا نه انجام می‌گیرد (Royse, 2004). برای دستیابی به این مقصود، کار میدانی برای گردآوری داده‌های پژوهش، نزدیک به چند ماه طول کشید و طی این مدت، مشاهده مداوم و ارتباط مستمر و خوبی با مهاجران در جریان بود. سپس، از تکنیک کنترل توسط اعضا استفاده شده است، بدین صورت که بعد از تحلیل یافته‌ها، مفاهیم و مقوله‌ها، از تعدادی از مشارکت‌کنندگان خواسته شد تا ارزیابی خود را در مورد صحت یافته‌ها بیان کنند. در این مرحله با ۱۰ نفر از مشارکت‌کنندگان مصاحبه مجدد برای ارزیابی مقوله‌ها صورت گرفت. به منظور بازاندیشی، محققان به طور پیوسته مراقبت‌های لازم را در مرحله گردآوری، کدگذاری و تحلیل داده‌ها مدنظر قرار می‌دادند تا دچار سوگیری نشوند و نتایج تحقیق مبتنی بر واقعیت باشد.

در این تحقیق از استراتژی تحلیل داده بنیاد بر ساخت‌گرا (Charmaz, 2005) استفاده کردیم. براین اساس، پژوهش تمامی توجه خود را بر تفسیر داده‌ها متمرکز کرد و به جای استفاده از روش خطی، روش دورانی (رفت و برگشت مداوم بین جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها) به کار گرفت و به دنبال کشف تم‌های مشترک یا متناقض بود. در این فرایند سه نوع کدگذاری اولیه، متمرکز و نظری دنبال شد. جهت مدیریت داده‌ها و تسهیل در تحلیل، از نرم افزار مکس کیودا نسخه ۲۰۲۰ استفاده شده است.

¹ Lincoln & Guba

یافته‌های پژوهش

داده‌ها با استفاده از کدگذاری داده‌بنیاد (اولیه، متمرکز و نظری) مورد تحلیل قرار گرفت. برپایه نتایج تحلیل داده‌ها، ۱۱ مقوله استخراج شد که عبارتند از: هراس جمعی، محدودیت‌ها و تعصبات اجتماعی، فقر و بیکاری، همجواری با ایران، ورود آسان‌تر به ایران، امکانات آموزشی ایران، نبود جنگ و ناامنی در ایران، دین و زبان مشترک، و مضيقه اقتصادی. در نهایت مقوله مرکزی "مهاجرت غیرارادی" به دست آمد.

جدول ۳. مفاهیم و مقوله‌های مستخرج از داده‌ها

مقوله	مقوله	مفاهیم
قابلیت/توانمندی	دین مشترک	وجه مشترک مذهب بین ایران و افغانستان،
	زبان مشترک	وجه مشترک زبانی و ادبی، یکی کشور هم زبان، از نگاه زبانی مشکل نداشتن، زبان ایران را بهتر فهمیدن، هم زبانی بودن،
	توان/ناتوانی اقتصادی	پول مون کم بود برای مهاجرت به کشور دیگر، اگر کسی بتواند دورتر می رود
آرزوها / انگیزه‌ها	ناامنی و هراس جمعی	نرس و وحشت از طالبان: ترس از طالبان، مردم سراسیمه و نگران، مردم از ترس طالبان رستوران نیامدن، نبود امنیت جانی: انتحاری و انفجار زیاد، ترس از بیرون رفتن و برگشتن تهدیدهای بیشتر، امنیت نداشتن، از بین رفتن خوشی‌ها، انگیزه ای برای مردم نمود، ناامید شدن، نا امید و نگران از طالبان در افغانستان، تمام ارزوها و زحمتهای از دست دادن، به یکبارگی فرو ریختم، یک جسد بی روح
	محدودیت‌ها و تعصبات اجتماعی	از بین رفتن جایگاه زنان به ضرر خانم‌ها محدودیت‌ها و تیدو بند برای زنان از بین رفتن حقوق انسانی از ترس طالبان کت و شلوار پوشیدن گرفتن فعالیت‌های اجتماعی فشار روی مردم، فاصله از آن محیط ناهنجار، همه دروازه‌ها بر روی زنان بسته شد، محدودیت‌ها، روز زوج مردان بیرون و روز فرد زنان بیرون باشند، با تاجیک و ازبک اینا خوب نبودن، مراسم تاسوعا و عاشورا برگزار نشدن، اجبار نماز را به شیوه طالبان خواندن، اگر زبان پشتون را بلد باشی باهات خوب هستند، برای طالبان خوبه، با شیعه خوب نیستند
	جویایی کار	اینجا کار هست پول میفرستیم برا خانواده، برای کار، به خاطر کار و بار برای نان در آوردن دلیل اصلی ما اقتصادی بود. به امید کار کردن
	نبود جنگ در ایران	اینجا امنیت داره، آزاده، اینجا آرام است، برای حفظ جان
	فقر و بیکاری	با تغییر حکومت اقتصاد بدتر شد بستن شرکتهای تولیدی تعطیل شدن خیاطی بعد طالبان بیکار شدم بعد سقوط دولت کار و بار نبود مغازه‌ها بسته شد کافه‌ها از ترس طالبان تعطیل شد مردم نمی آمدند، کار نبود، حکومت سقوط کرد کار و بار نبود، قبل از این (طالبان) کار می کردم، از بین رفتن شغل‌های دولتی، قیمتی و گرانی نبود ثبات اقتصادی برای یک لقمه نان تنگدستی مشکلات زندگی کار نبود دلیل اصلی ما اقتصاد بود، فقر اقتصادی، وضعیت اقتصادی اصلا خوب نیست. کار و بار نبود
	امکانات آموزشی مقصد	برای ادامه تحصیل، مهم ترین دلیل فقط تحصیلی بود، ادامه تحصیل در رشته ادبیات فارسی، فراهم سازی زمینه تحصیلات عالی
	همجواری با ایران	همسایه، نزدیک به افغانستان
	ورود آسانتر به ایران	کنسولگری ایران باز بود، بقیه کنسولگریها بسته بود، یگانه جا بود، ویزای ایران راحتتر بود

مقولات را در دو دسته آرزوها و انگیزه‌های مهاجرت، شامل: جویایی کار، امکانات آموزشی، نبود جنگ در ایران، ناامنی و هراس جمعی، محدودیت‌های اجتماعی و تعصبات، زیر ساختهای ضعیف، از بین رفتن شغل‌ها همجواری با ایران، ورود آسانتر به ایران، و فقر، و در دسته قابلیت‌ها، شامل: دین و زبان مشترک، و توان اقتصادی قرار داده‌ایم.

آرزوها و انگیزه‌های مهاجرت

• ناامنی و هراس جمعی

بعد از به قدرت رسیدن طالبان مهاجران بیان می‌کردند انفجار و انتحاری در مدارس و مکاتب زیاد شده است و امنیت نداشتند. بیان می‌کردند وقتی یکی از اعضای خانواده بیرون می‌رفت نمی‌دانستیم که آیا بر می‌گردند یا خیر. همچنین بیان می‌کردند با آمدن طالبان همه مردم می‌ترسیدند و وحشت کردند و و این چیز خوبی نبود تا جای که مردم می‌توانستند از راه قاچاق، هوایی یا زمینی افغانستان را ترک کردند.

مهم‌ترین دلیلش این بود که در افغانستان کار نبود، دیگه امنیت ام نبود. هر روز در مکتبا (مدرسه‌ها) این‌جا، انتحار و انفجار زیاد بود. به اون خاطر مهاجرت ایران، امی انگیزه‌اش اینمی بود. (امین ۱۷ ساله مجرد، بیکار مدت اقامت ۲ ماه).

با آمدن‌شان (طالبان) مردم هم وحشت کرده بودند. ترس و لرز داشتن بعد اونا آمدند، عفو عمومی اعلان کردند، ولی اینا ظاهراً این جوریه، باطن قضیه چیزیه دیگه است. دیگه این امنیت خوبی نداره برای هیچکی خوب نیست، دیگه مجبور همه ترک کردند افغانستان را از راه تانستند، هوایی، زمینی، قاچاقی، قانونی هر راهی که توانستند خارج شدند از افغانستان. (بصیر ۳۹ ساله، متاهل، حیاطی، مدت اقامت ۸ ماه)

وقتی طالبان آمدند افغانستان ره گرفتند، انگیزه‌ی مردم و روحیه‌ی مردم کوبیده شد. بسیار یک وحشت و دهشت خطرناک بود. کسی باورش ام نمی‌کرد، خیلی کسا ترک وطن کرد مهاجرت ره در پیش روی گرفت. حالا به هر شکلی، به شکلی می‌خواستند، از افغانستان خارج شوند با پاسپورت، کسایی که نداشتند. هیچ انگیزه‌ای نبود که در افغانستان آدم بشینه (بنشینند) زندگی کنند. خیلی یک وحشت خطرناک بود، بار اول که آمده بود، بعدش اینا حکومت ره گرفت (ضیا، ۲۵ ساله، متاهل، خیاط، مدت اقامت ۶ ماه)..... انگیزه‌ای ام نبود که در کابل کار کنیم، مثلاً در اون‌جه زندگی کنیم. انگیزه از بین رفت، مثلاً آرزوی که داشتیم، مثلاً کلش در خاک خورد. به همو خاطر آمدیم که حداقل بتانیم، فعلاً یک کاری روزمره که کار می‌کنیم، مثلاً نصفش ره در خانه روان کنیم یا کمک کنیم، دیگه چیز باعث نشده که آمدیم ایران (ضیا، ۲۵ ساله، متاهل، خیاط، مدت اقامت ۶ ماه)

یکی از دلایل مهاجرت‌های بین‌المللی که در مطالعات خیلی کم به آن توجه شده است موضوع امنیت و از بین رفتن انگیزه افراد در کشور مبدا است و احساس امنیتی که افراد در کشور مبدا دارند. براساس نقل قولها با آمدن طالبان احساس ترس و ناامنی زیادی داشته‌اند که انگیزه‌ای مهم و محرک قوی برای تحرک افراد برای مهاجرت بوده است.

• تعصبات و محدودیت‌های اجتماعی

مهاجران بیان می‌کردند بعد از به قدرت رسیدن طالبان محدودیت‌ها برای افراد به ویژه زنان زیاد شد. تهدیدها و محدودیت‌ها بر روی مردم بیشتر شد. فعالیت‌های اجتماعی محدود شدند. مدارس بر روی زنان بسته شد. به عبارتی حق انسانی و حقوق زنان خیلی کم شده است. همچنین بیان می‌کردند اگر بخواهیم مراسم مذهبی تاسوعا و عاشورا را برگزار کنیم اجازه نمی‌دادند و اگر زبان پشتون را حرف بزنیم با ما کاری ندارند. همچنین بیان می‌کردند برای مراسم مذهبی باید به شیوه‌ای که افراد طالبان می‌گویند باشد.

از زمانی که طالب در افغانستان به قدرت رسیده شد، دروازه‌ها به روی خانم‌ها نه‌تنها به روی خانم‌ها، بلکه به روی تمام مردم افغانستان از چهار طرف بسته شد. محدودیت‌ها بیش‌تر شد، تهدیدها بیش‌تر شد، فشارها بیش‌تر بالای مردم وارد شد. همو حق کاری که ما در اجتماع، فعالیت داشتیم، از ما گرفته شد و دروازه‌های مکاتب (مدرسه‌ها) به روی دخترها بسته شد. در مجموع همو یک حق انسانی که حق یک زن و حق یک انسان در افغانستان بود، اون از پیشش گرفته شد. به همی دلیل ما تصمیم گرفتیم که از افغانستان بیرون شویم و ای که چرا مه ایران را انتخاب کردیم و ایران بیایم و ای هم یک دلیل داشت، هرچند دو گزینه پیش روی ما بود یا پاکستان یا ایران. (ترانه ۳۵، ساله، مجرد، بیکار مدت اقامت ۴ ماه قبل)

ببین خدا گفته نماز بخوان تمیز باید باشی نماز بخوانی دستشویی بری و وضو بگیری ولی طالبان اینا برایش مهم نیست میزنند میگه برو همینطوری نماز ات را بخوان، اجازه نمی دن مراسم تاسوعا و عاشورا برگزار کنیم همه چی را جمع کردند... طالبان شبانه هر کسی را می خواست می برد، نمی داشت که ما تاسوعا و عاشورا را برگزار کنیم همه این مراسم را از بین برد، اگر بتونیم پشتون حرف بزنیم باهات کاری ندارند ولی سخت یادگیرییم پشتون حرف بزنیم (مرد، ۳۳ ساله، متاهل، ۹ ماه اقامت)

به قسمی که می‌دانیم، وقتی که حکومت سقوط کرد و طالبان به حاکمیت رسید و وضع امنیتی یا شرایط محیطی برای همه‌ی افراد جامعه مناسب نبود، خاص‌تر برای طبقه‌ی زن یا بانوان. بنا به همو ناهنجاری‌های جامعه، بنابر شرایط بد امنیتی، وضع قوانین و قواعد زیاد خصوصاً در عرصه‌ی بانوان، ما ناگزیر شدیم، گزینه‌ی مهاجرت ره انتخاب کنیم. شما می‌فهمید که مهاجرت یک امتیاز نیست، بلکه یک مجبوریست است. (فرزانه، ۲۶ ساله مجرد دانشجو ۶ ماه قبل).

بیشتر مهاجران افغانستانی ساکن در ایران از قوم هزاره که اهل تشیع هستند، می‌باشند. وقتی که مهاجران با محدودیت‌های اجتماعی، جنسیتی و تعصبات مذهبی و قومی روبرو می‌شوند باعث ایجاد انگیزه برای مهاجرت در بین افراد می‌شود. وایت و بالز (۲۰۱۸) و چن و همکاران (۲۰۰۹) نشان داده‌اند که قومیت و جنسیت بر جریان‌های مهاجرتی تاثیر گذار است. همچنین براساس نقل قول‌ها مهاجران باتوجه به شرایطی که بعد از قدرت گرفتن طالبان در افغانستان ایجاد شده است عوامل غیر اقتصادی هم در تصمیم مهاجران برای مهاجرت تاثیرگذار بوده است.

• فقر و بیکاری

این مقوله بیان می کند که با قدرت گرفتن طالبان خیلی از شغل‌ها از بین رفته است و فقر و بیکاری زیاد شده است. یکی از مهاجران بیان می‌کرد قبل از طالبان شغل خیاطی داشته است و در یک تولیدی مشغول به کار بوده است بعد از طالبان تعطیل شد و سه هفته بیکار بودم و کار دیگه‌ای نبود و مجبور شدم به ایران مهاجرت کنم. همچنین مهاجر دیگری بیان می‌کرد قبل از آمدن طالبان کافه رستوران داشته‌ام و نه نفر پرسنل داشتم که آن را تعطیل کردم وقتی مردم می‌آمدند همین که طالبان می‌آمد همه فرار می‌کردند سه ماه بعد از طالبان آنجا کار کردم و بعد تعطیل کردم چون انگیزه‌ای نبود و مشتری نبود. همچنین بیان می‌کردند که شرایط اقتصادی و فقر زیاد شده است و امنیت اقتصادی نداشته‌اند.

مهم‌ترین چیزی که می‌خواستیم ایران بیایم بی‌کاری بود دیگه، چون قبل از می‌آمدیم، قبل از آمدنم، قبل از طالب آمدن در افغانستان دیگه خودم وظیفه مه خیاطی بود، واسکت‌دوزی در یک کارخانه کار می‌کردم، دیگه، بعد از آمدن طالب آمد، تعطیل شد دیگه ما سه هفته را بی‌کار بودیم، اون‌جه قرار دیگه کارمارام نبود، باز مجبور شدیم، بییم (بیاییم) طرف ایران دیگه. (جواد، ۱۸ ساله مجرد کیف دوزی، مدت اقامت ۹ ماه).....وقتی که کابل سقوط کرد، مه کافه داشتم، قبل ازو کار می‌کردم، در کافه رستوران، نه

نفر پرسونل داشتیم، چه بودیم فامیدی در اون‌جه مسئول کافه بودیم، پیش می‌رفتیم، خوب بود. وقتی که طالبان آمد، هیچ انگیزه‌ای نماند که ما اون‌جه کار کنیم، تقریباً سه ماه دیگه بعد از آمدن طالبان اون‌جا کار کردیم، اما کرایه سر ما نتوان بود. وقتی طالبان می‌آمدند دیگه مشتری بدون که سؤال کنه، مثلاً کی استه فرار می‌کردند، کلگی، امی باعث شد که مه رستوران خود ره ايله (ترک) کنوم، به‌خاطری که نمی‌شد، کار باز دیگه کاری نمانده بود، دیگه آمدم مهاجر شدیم (ضیا، ۲۵ ساله، متاهل، خیاط، مدت اقامت ۶ ماه)

یکی از دلایل بزرگش بی‌کاری، فقر و بدبختی که در افغانستان هستش، از زمانی که طالبان اومده، اون‌جا دیگه وضعیت امنیتی هم خوب نیست و وضعیت اقتصادی اصلاً خوب نیست. ما مجبوریم، مردم جانش ره به خطر بیفتند، به راه قاچاق بیفتند، از راه دیوار از راه پاکستان از راه کوه مشکل از هر راهی که بتواند، خودشان ره به ایران برساند تا از این وضعیت اقتصادی و وضعیت امنیتی در امان باشه. مجبورند، جانش ره به خطر بیندازند، برای همینه. (بصیر/بصیر ۳۹ ساله، متاهل، خیاطی، مدت اقامت ۸ ماه).....مهم‌ترین دلیلی که تصمیم به مهاجرت گرفتم، فقر و تنگ‌دستی بود دیگه، در افغانستان بعد از این که دولت سقوط کرد، کاروبار نبود، ما دیگه نمی‌تونستوم، بی‌کاری ام که هزینه کار داره، دیگه خرج خانه یه، به‌خاطر همو مه تصمیم مهاجرت گرفتم، آمدم طرف ایران. (حسن، ۱۸ ساله، کارگری، مجرد مدت اقامت ۷ ماه)

بنابراین با تغییرات شرایط اقتصادی که بعد از قدرت گرفتن طالبان در افغانستان اتفاق افتاده است باعث از دست دادن انگیزه در بین افراد و مهاجرت تعداد زیادی از افراد به ایران و پاکستان شده است. همچنین داده‌های بانک جهانی نشان داده است شاخص سرانه ناخالص داخلی و نرخ بیکاری یعد از سال ۲۰۲۱ (قدرت گرفتن طالبان) به ترتیب کاهش و افزایش یافته است. اسپنگر (۲۰۱۳) نشان می‌دهد که عوامل اقتصادی در تجزیه و تحلیل جریان‌های مهاجرت قابل توجه است، که افراد تقریباً همیشه به منظور بهبود شرایط مادی خود مهاجرت می‌کنند. از دست رفتن شغل‌ها و فقر و بیکاری برای مهاجران افغانستانی انگیزه و آرزوی برای مهاجرت به ایران است.

• جویای کار

بعضی از مهاجران بیان می‌کردند مهمترین دلیل برای آمدن به ایران کار پیدا کردن است که می‌توانیم پول در بیاوریم و برای خانواده خود در افغانستان بفرستیم. همچنین بیان می‌کردند وقتی که طالبان سر کار آمد انگیزه‌ای برای ما نبود به خاطر گرانی و نبود کار مجبور شدیم مهاجرت کنیم که حداقل بتوانیم خانواده‌ای خود را از گرسنگی نجات دهیم. در اینجا با توجه به شرایط اقتصادی خود ایران باز می‌شود کار پیدا کرد.

مهم‌ترین دلایل این بود که همین‌جا فقط کاره، پولش درمیاریم، در افغانستان می‌فرستیم، فقط همین دلیله. (حسن، ۱۸ ساله، مجرد، مدت اقامت ۸ ماه)

دنبال کار بودیم، وقتی آمد، دولت سقوط کرد، دیگه انگیزه‌ای نماند، برای ما باز مجبور شدیم، به‌خاطر قیمتی، گرانی و مشکلات زندگی ما رو به مهاجرت آوردیم که بوریم حداقل بتانیم، همون‌جه یک لقمه نانی بیاریم، خانواده‌ی خود ره از گرسنگی نجات بدم. (ضیا، ۲۵ ساله، متاهل، خیاط، مدت اقامت ۶ ماه)

یکی دیگر از انگیزه‌های مهاجران افغانستانی برای مهاجرت به ایران دلایل اقتصادی (بیکاری) است. براساس داده‌های بانک جهانی^۱ سرانه ناخالص داخلی افغانستان بعد از به قدرت رسیدن طالبان سیر نزولی و منفی را داشته است. همچنین نرخ بیکاری در

¹ World Bank Group

افغانستان در چند سال اخیر سیر صعودی داشته است که در سال ۲۰۲۳، به ۱۴,۴ درصد رسیده است که برای ایران در سال ۲۰۲۳ نرخ بیکاری ۹,۱ درصد بوده است (World Bank Group, 2023).

• ورود آسان به ایران

مهاجران بیان می‌کردند در زمان قدرت گرفتن طالبان در افغانستان و مهاجرت افراد به کشورهای دیگر به راحتی می‌توانستیم ویزای ایران را بگیریم و سفارتخانه خیلی از کشورها در آن زمان بسته بود اما سفارتخانه ایران باز بود و می‌توانستیم به آسانی ویزا بگیریم. همچنین مهاجران بیان می‌کردند که برای ادامه تحصیل برای ایران آمده‌ام می‌توانستم به کشورهای هندوستان، ترکیه یا کشورهای دیگر بروم اما به خاطر اینکه سفارت‌ها و کنسولگری‌های تعطیل بودند یا به خاطر محدودیت‌ها در افغانستان ویزا نمی‌دادند و برخلاف بسیاری از کشورها سفارت ایران خدمات کنسولی را برای مردم مهیا ساخته بود.

دلایلی که مه ایران آمدم، مثلاً می‌تانوم در ایران باشوم، به‌خاطری که به زبان فارسی حرف می‌زنوم و از نگاه زبانی کدام مشکلی برنمی‌خوروم و دیگه این که سهولت بود، در سفارت، مثلاً مه می‌تستوم، به راحتی ویزای ایران ره بگیریم و بیاییم ای طرف. (محسن، ۲۷ ساله، متاهل، بیکار مدت اقامت یک ماه و نیم)

مهم‌ترین دلیل ازی که مه مهاجرت کردم ای بود که باید مه ادامه‌ی تحصیلی می‌دادم. البته حتمی نبود که ایران باشه. ممکن بود، کشور هندوستان یا ترکیه یا کشور دیگر باشه، اما چون محدودیت‌ها بیش‌تر در افغانستان وضع شده بود و سفارت‌ها، کنسولگری‌ها ویزا نمی‌داد یا تعطیل شده بودند و در ای وضعیت کشور ایران خدمات کنسولی برای شهروندان افغانستان مهیا ساخته بود یا خدمات‌شان جریان داشت، برخلاف بسیاری کشورها. بنابر ازی باز مه هم اقدام به تحصیل در ایران کردم (رضا، ۲۸ ساله مجرد، دانشجو مدت اقامت ۵ ماه)

بنابراین دسترسی راحت و آسان که به عبارتی سیاست‌های ویزای سفر (کشور ایران) برای گرفتن ویزا به ایران یکی از دلایل مهم برای مهاجرت به ایران بوده است. کزیکا و دی هاس (۲۰۱۴) نشان داده‌اند که سیاست‌های ویزای سفر به طور قابل توجهی جریان ورودی را کاهش می‌دهد، و بر تعداد مهاجران تاثیرگذار است.

• امکانات آموزشی در ایران

مهاجران بیان می‌کردند به خاطر بی‌ثباتی سیاسی و اقتصادی افغانستان تصمیم گرفتیم برای ادامه تحصیل به ایران مهاجرت کنند. همچنین یکی دیگر از مهاجران بیان می‌کرد من فقط به خاطر اینکه بچه‌ها بی‌سواد نباشند و بتوانند درس بخوانند به ایران آمدم. مهاجران بیان می‌کردند بعد از قدرت گرفتن طالبان دختران فقط تا ابتدایی می‌توانند درس بخوانند و محدودیت‌های آموزشی زیادی داریم.

یکی از انگیزه‌ها و تصمیم مه برای ادامه‌ی تحصیل در مقطع ارشد است و به خاطر این که کشور ما فعلاً در ثبات سیاسی و ثبات اقتصادی مواجه نبود، مه تصمیم به ای گرفتوم در کشور ایران ادامه تحصیل بدوم و بخش ارشد ره ادامه بدوم و ختم کنوم و بعد ازو برگردوم به کشور برای خدمت. (اسدالله، ۳۰ ساله، دانشجو، مجرد، مدت اقامت ۲ ماه).

من فقط به خاطر اینکه دخترام بتونند درس بخوندند امدم ایران این دخترم خیلی با استعداد اما یکی دو سال مدرسه نرفته (۳۵ ساله، متاهل، مدت اقامت ۶ ماه).

بنابراین با توجه به تغییرات سیاسی که در افغانستان شکل گرفته است باعث شده است که دسترسی به آموزش برای افراد نسبت به دوره‌های قبل محدودتر شود و به یک انگیزه و آرزو برای مهاجران تبدیل شود که برای به دست آوردن آن به کشورهای دیگر مهاجرت کنند. زمانی که افراد انگیزه خود را از دست بدهند به دنبال به دست آوردن آن در کشورهای دیگر خواهند. به عبارتی دیگر به دنبال بهبود شرایط زندگی خود در کشور دیگر خواهند بود.

قابلیت‌های مهاجرت

• زبان مشترک

مهاجران بیان می‌کردند که این دلیل به ایران مهاجرت کرده‌ایم چون زبان مشترک با ایران داریم و می‌توانیم به زبان فارسی حرف بزنیم و از لحاظ زبانی به مشکل بر نمی‌خوریم. همچنین بیان می‌کردند که افغانستانی‌های که به خارج رفته‌اند چون زبان را نمی‌دانند زندگی در آنجا برایشان مشکل است

دلایلی که مه ایران آمدم، مثلاً می‌تانوم در ایران باشوم، به‌خاطری که به زبان فارسی حرف می‌زنوم و از نگاه زبانی کدام مشکلی برنمی‌خوروم و دیگه این که سهولت بود، در سفارت، مثلاً مه می‌تستوم، به راحتی ویزای ایران ره بگیریم و بیاییم ای طرف. (محسن، ۲۷ ساله، متاهل، بیکار، مدت اقامت، یک ما و نیم)

افغانستان و ایران که رابطه‌ی طولانی داره و بر اساس، حتا ما زبان ایران بهتر می‌فامیم، ما اگر خارج بوریم، یک بحث زبان است، (سداالله، ۳۰ ساله، دانشجو، مجرد، مدت اقامت ۲ ماه)

بنابراین یکی از دلایل انتخاب ایران به عنوان کشور مقصد برای مهاجران افغانستانی زبان فارسی مشترک بین ایران و افغانستان است. و زبان مشترک می‌تواند قابلیت و توانایی مهاجران را برای مهاجرت بیشتر کنند همانطور که نقل قولها نشان می‌دهد یکی از دلایل انتخاب ایران به خاطر این است که مشکل زبان را ندارند. همچنین نتایج تحقیقات اسپنجر (۲۰۱۳) نشان داده است که جریان‌های مهاجرت بین کشورهای با زبان‌های مرتبط بیشتر از کشورهایی با زبان‌های غیرمرتبط است. به همین ترتیب، می‌توان دانش زبان کشور مقصد به عنوان یک قابلیت و توانایی برای مهاجرت دید.

• دین مشترک

این مقوله بیان می‌کند برای بعضی مهاجران دین مشترک بین مهاجران و بومیان یکی از دلایل برای مهاجرت به ایران است. مهاجران بیان می‌کردند. ما با ایران هم مذهب هستیم و شیعه هستیم و اینجا برای ما راحت تر است. همچنین یکی از مهاجران بیان می‌کرد که من به خاطر مادرم چون مذهب برای او خیلی مهم بود ایران را انتخاب کردیم و به اینجا مهاجرت کردیم.

خب، یک دلیل بزرگش هم‌زبان بودن‌شان بالاخره، هم‌مذهب هم هستش. ما شیعه هستیم، هم‌مذهب هم هستش. آره، این‌جا برای ما راحت‌تر هستش، حالا با سختی‌ها با تحریم‌ها با مشکلاتش باید کنار بیاییم. چاره نیستش دیگه آره (بصیر، ۳۹ ساله، متاهل، مدت اقامت ۸ ماه)

تفاوت‌های فرهنگی کم بین جامعه مبدا و مقصد یکی از فاکتورها برای انتخاب مقصد است که به عبارتی می‌توان گفت فاصله فرهنگی کمتر (همچون مذهب و دین مشترک) توانمندی و قابلیت مهاجر را برای مهاجرت به یک مقصد خاص بیشتر می‌کند. نتایج تحقیق وایت و بالز (۲۰۱۸) نشان داده است که فاصله فرهنگی بین مبدا و مقصد جریان مهاجرتی بین کشور مبدا و مقصد را کاهش یا

افزایش می‌یابد. همچنین مطالعات چن و همکاران (۲۰۰۹) نشان داده است که بافت اجتماعی مقصد (همچون قومیت، جنسیت و سایر شرایط مرتبط با آنها) بر مهاجرت مهاجران تاثیرگذار است.

• توان/ناتوانی اقتصادی

منظور از مقوله این است که دلیل انتخاب ایران به عنوان مقصد مهاجرت در کنار زبان و مذهب متأثر از وضعیت اقتصادی مهاجران است. مهاجران بیان می‌کردند اگر ما وضعیت اقتصادی بهتری داشتیم به کشورهای دیگری مهاجرت می‌کردیم. همچنین بیان می‌کردند که هر فرد با هزینه ۱۰ تا ۱۵ میلیون می‌تواند به ایران مهاجرت کند. مهاجران بیان می‌کردند باید اقتصاد قوی داشته باشید تا بتوانید به کشورهای دیگر مهاجرت کنید.

بی‌پولی، اگر ما پول می‌داشتیم، بالاتر از می‌رفتیم جای دیگر. (جواد، ۱۸ ساله مجرد کیف دوزی، مدت اقامت ۹ ماه)
مهم‌ترین دلیل فقط تحصیل بود، دیگر بعد ازو مه کدام آینده‌ای نمی‌بینوم برای خود در این جا. بله مه می‌تونستوم، کشور دیگر ره انتخاب کنوم، ولی تصمیم برای شد که در دوره‌ی ارشد مه در ایران بروم، به خاطر مصارف و به خاطر اقتصادی که در کشورهای دیگر باید اقتصاد یک کمی قوی‌تر می‌بود تا مهاجرت می‌کردیم، (اسدالله، ۳۰ ساله، دانشجو، مجرد، مدت اقامت ۲ ماه)
بنابراین شرایط اقتصادی مهاجران یکی از دلایل مهاجرت به ایران است. بیشتر مهاجران با شرایط اقتصادی پایین به ایران مهاجرت می‌کنند. چون هزینه زیادی لازم دارند به کشورهای دیگر مهاجرت کنند.

مهاجرت غیرارادی به عنوان مقوله مرکزی

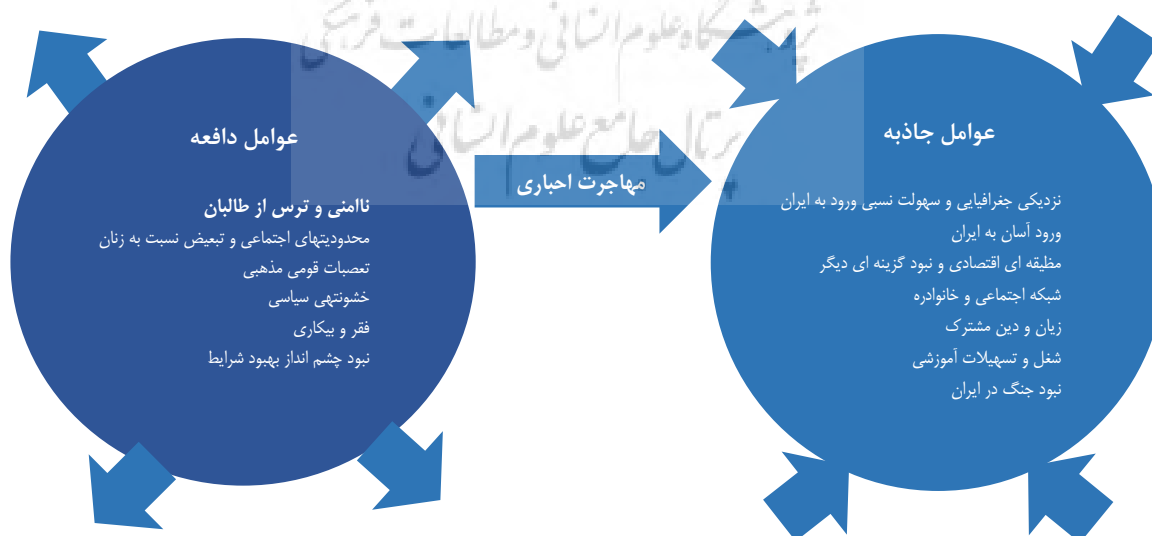
با مرور، ترکیب و پالایش مقوله‌های اصلی می‌توان "مهاجرت غیرارادی" را به عنوان مقوله نهایی و مفهوم یکپارچه‌کننده مقوله‌های بر ساخته این پژوهش در نظر گرفت. باتوجه به تغییرات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی که بعد از به قدرت رسیدن طالبان در افغانستان به وجود آمد باعث از دست رفتن انگیزه ماندن و آرزو برای مهاجرت شد. براساس مقولات و نقل قول‌ها مهاجران مهاجرت را یک امتیاز نمی‌بینند بلکه بیشتر به عنوان یک اجبار در نظر می‌گیرند. بر این اساس، می‌توان گفت مهاجرت مهاجران افغانستانی به ایران در این دو سه سال اخیر یک تحرک غیرارادی به دلیل شوک‌های اقتصادی و سیاسی در افغانستان است.

براساس مدل آرزو و قابلیت عامل مهاجرت مهاجران انگیزه و قابلیت آنها است که این عوامل دارای درهم تنیدگی‌های با هم هستند که منجر به تحرک در میان افراد می‌شود. مقولات به دست آمده در این تحقیق همچون زبان و دین مشترک مهاجران افغانستانی با ایرانیان در کنار انگیزه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی منجر به مهاجرت شده است. در مدل آرزو و قابلیت همانطور که نشان داده شده است انگیزه کم و قابلیت بالا منجر به تحرک غیرارادی (مهاجرت پناهندگان یا مهاجرت اجباری) می‌شود. بنابراین دو مقوله زبان و دین که نشان‌دهنده قابلیت و توانمندی مهاجران برای مهاجرت است و چون این دو عامل را با جامعه میزبان مشترک دارند می‌توان گفت که قابلیت بالایی را برای مهاجران به وجود آورده است. همچنین مقوله انتخاب ایران متأثر از مضیقه اقتصادی نشان دهنده این است که مهاجران با وجود وضعیت اقتصادی پایینی که دارند به گزینه‌ای غیر از ایران نمی‌توانند فکر کنند. تصمیم مهاجرت نه تنها نتیجه آرزوها بلکه تابعی از قابلیت‌ها است. به عبارت ساده، قابلیت تحقق یک پروژه مهاجرتی مشخص، تابعی از مجموعه‌ای از مواهب شامل تمام اشکال ممکن سرمایه: اقتصادی، اجتماعی، انسانی و سیاسی است (De Haas, 2010; Czaika & Vothknecht 2014). دو مقوله زبان و دین مشترک با ایران جزو سرمایه اجتماعی و فرهنگی مهاجران است که آنها را برای

مهاجرت توانمند کرده است. مقولات نامنی و هراس جمعی، تعصبات اجتماعی و قومی، از دست دادن شغل نشان دهنده از دست دادن انگیزه و آرزوها برای ماندن در جامعه مبدا و درک کلی از اینکه جایگزین بهتر، مهاجرت به کشور دیگر است.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج تحقیق حاضر نشان داد که مهاجران چه درک و تجربه‌ای از تغییر حکومت در افغانستان و قدرت گرفتن طالبان در افغانستان داشته‌اند که منجر به مهاجرت آنها به ایران شده است. ورود مهاجران افغانستانی به ایران بعد از قدرت گرفتن طالبان در افغانستان به دلیل ناامنی و هراس جمعی و تعصبات اجتماعی و قومی، از بین رفتن شغل‌ها، و نبود امکانات آموزشی بوده است. آنها به دلیل زبان و دین مشترک، همجواری با ایران و ورود آسانتر ایران را به عنوان کشور مقصد انتخاب کرده‌اند. مقوله‌ها نشان دهنده این است که عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، و امنیتی در جامعه مبدا در مهاجرت مهاجران افغانستانی به ایران تاثیر گذار است. نتایج تحقیقات دیگر نظیر آدامز و همکاران (۱۹۹۵)، وان وی (۲۰۰۵)، و احد (۲۰۱۵) نشان داده است که فقر و بیکاری از عوامل اقتصادی مهم در مهاجرت‌های بین‌المللی است. براک و همکاران (۲۰۱۸) نشان داده‌اند که جنگ و ناامنی در مبدا عامل مهاجرت اجباری است. براساس رویکرد سیستم‌های مهاجرت، مهاجرت به تغییر شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نهادی در کشور فرستنده و مقصد بستگی دارد. براساس این دیدگاه مهاجرت محصول عوامل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است. این دیدگاه نزدیکی جغرافیایی به دولت‌های ملی، در دسترس بودن شبکه‌های اجتماعی، مؤسسات و عوامل فرهنگی و تاریخی را هم مهم می‌داند. همچنین براساس مدل جاذبه و دافعه همین شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در مبدا و مقصد به عنوان عوامل جذب و دفع عمل می‌کنند. مقولات نامنی و ترس از طالبان، محدودیت‌های اجتماعی و تبعیض نسبت به زنان، تعصبات قومی مذهبی، خشونت‌های سیاسی، فقر و بیکاری از عوامل دفع در افغانستان برای مهاجرت افراد به کشورهای همسایه (ایران) است. مقولات زبان و دین مشترک، نزدیکی جغرافیایی، ورود آسانتر به ایران، مضیقه اقتصادی مهاجر، شغل، تسهیلات آموزشی و نبود جنگ در ایران از عواملی است که مهاجران افغانستانی به سمت ایران را جذب کرده است.



شکل ۲. مقولات به دست آمده از مهاجرت افغانستانی‌ها به ایران براساس مدل جاذبه و دافعه

رویکرد آرزو/ قابلیت عاملیت مهاجران را در در فرایند مهاجرت بسیار تاثیرگذار می‌بیند. براساس این رویکرد، آرزو یا انگیزه مهاجرت تابعی از قابلیت و توانمندی مهاجر است. سه مقوله زبان و دین مشترک و ترجیح ایران متاثر از مضیقه اقتصادی نشان دهنده دلیل انتخاب ایران به عنوان کشور مقصد است، چون زبان و دین مشترک مهاجران را توانمند می‌کند که بتوانند مهاجرت کنند. همچنین نتایج تحقیق اسپنجر (۲۰۱۳) نشان داده است که جریان‌های مهاجرت بین کشورهای با زبان‌های مرتبط بیشتر از کشورهایی با زبان‌های غیرمرتبط است که می‌توان گفت که زبان مشترک باعث قابلیت بیشتر برای مهاجرت می‌شود. همچنین، مهاجران بیان می‌کردند باتوجه به شرایط اقتصادی پایینی که داشتند ایران را انتخاب کرده‌اند چون برای آنها هزینه زیادی ندارد.

مقولات ناامنی و هراس جمعی، تعصبات اجتماعی و قومی، از بین رفتن شغل‌ها و نبود امکانات آموزشی نشان دادن چالش‌های است که مهاجران بعد از قدرت گرفتن طالبان با آن مواجه بوده‌اند که باعث از بین رفتن انگیزه افراد برای ماندن در مبادا شده است و به دنبال امنیت و معیشت در کشور دیگر شده و به این درک کلی رسیده‌اند که مهاجرت گزینه‌ای بهتری است. همجواری با ایران و ورود آسانتر به ایران انگیزه‌ای بیشتری برای مهاجران فراهم کرده است که به ایران مهاجرت کنند. باتوجه به اینکه بیان کرده‌اند اگر طالبان قدرت نمی‌گرفت مهاجرت نمی‌کردند نشان دهنده آرزو یا انگیزه کم آنها برای مهاجرت بوده است. عوامل تاثیر گذار بر قابلیت و انگیزه مهاجران شوک‌های اقتصادی و سیاسی است که در کشور مبدا اتفاق افتاده که در نهایت منجر به مهاجرت تعداد زیادی از افراد به مهاجرت شده است. بنابراین، جنگ داخلی در افغانستان هم انگیزه و هم توانمندی را تحت تاثیر خود قرار داده است.

بنابراین باتوجه به زبان و دین مشترک بین ایران و افغانستان و هزینه کمتر برای مهاجرت به ایران که قابلیت و توانمندی مهاجران را افزایش می‌دهد می‌توان انتظار داشت که ابران همچنان علی‌رغم محدودیت‌های قانونی برای مهاجران مقصد عمده‌ای مهاجران افغانستانی در آینده باشد. همچنین همانطور که براک و همکاران (۲۰۱۸) بیان کرده‌اند جریان‌های مهاجرت اجباری را نمی‌توان به راحتی با سیاست‌های کشور مقصد متوقف کرد، و اینکه جلوگیری از تشدید درگیری در مبدا برای جلوگیری از مهاجرت اجباری مهم است. بدین ترتیب، برقراری امنیت پایدار در افغانستان، بازگشت داوطلبانه و بازادغام مهاجران موج اخیر و در نهایت اعطای اقامت گزینشی به برخی از مهاجران در جهت مدیریت جریان اخیر مهاجرتی پیشنهاد می‌شود.

منابع

- ایشاری، مریم و شجاعی زند، علیرضا . (۱۳۹۸). زمینه‌ها و فرایندهای شکل‌گیری زیست غیررسمی زباله‌گردی: مطالعه موردی کارگران افغانستانی در تهران. *بررسی مسائل اجتماعی ایران*. ۱۰ (۱)، ۶۳-۹۵.
- بهرامی، ولی، شاطریان، محسن و بهروزیان، بهروز . (۱۳۹۹). بررسی و مقایسه عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر طرد دانش‌آموزان ایرانی و افغانستانی (مورد مطالعه: دوره دوم متوسطه شهر کاشان). *پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر* ۹ (۱۶)، ۲۸۷-۳۱۳.
- پروین، ستار، مرادی، علیرضا، دنیایی، ام کلثوم، و داوودی، مریم. (۱۳۹۷). مهاجرت و زباله گردی، به مثابه شیوه نوظهور زیست شهری. *مطالعات جمعیتی*، ۱۴ (پیاپی ۷)، ۱۹۹-۲۲۸.
- حسینی، سید صفدر و رضایی، سهیل . (۱۳۸۸). اثر رفاهی خروج مهاجران خارجی بر سیاست نان ارزان در ایران اقتصاد کشاورزی. ۳ (۲)، ۱-۱۳.
- جائزاده، علیرضا . (۱۳۹۹). عوامل اثرگذار بر مهاجرت افغان‌ها به ایران. *فصلنامه سیاست* (۴)، ۵۰، ۱۰۶۷-۱۰۹۲.
- عباسی شوازی، محمدجلال، صادقی، رسول و محمدی، عبدالله . (۱۳۹۵). ماندن یا مهاجرت دوباره مهاجران بازگشته افغانستانی از ایران به کشورشان و عوامل تعیین‌کننده آن. *نامه انجمن جمعیت شناسی ایران*، ۱۱ (۲۲)، ۱۰-۴۱.

روحانی علی، افشانی سیدعلیرضا، فولادی خدیجه، امینی لاری بهار، صمدیان سربیشه صبا. هویت در کشاکش چهره و سنت: کاوشی کیفی از فرایند هویت‌یابی نوجوانان افغانستانی ساکن شهر یزد مسائل اجتماعی ایران ۱۴۰۳؛ ۱۵ (۲)، ۱۰۹-۱۲۸

زاهدی، محمدجواد، انصاری، ابراهیم، ملکی، امیر، و حمیدیان، اکرم. (۱۳۹۴). سنجش و تبیین طرد اجتماعی مهاجران خارجی در کلانشهر اصفهان. مطالعات جامعه‌شناختی شهری (مطالعات شهری)، ۶(۱۷)، ۵۷-۸۸.

زندى ناوگران، لیلا، عسکری ندوشن، عباس، افراسیابی، حسین، صادقی، رسول و عباسی شوازی، محمدجلال. (۱۴۰۱). درک مهاجران از فاصله اجتماعی با ایرانیان: پژوهش کیفی در بین مهاجران افغانستانی. پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ۱۱ (۴) ۱-۲۶.

صادقی فسائی، سهیلا و نظری، حامد. (۱۳۹۵). بچه افغانی: شکل‌گیری تصور از خود و دیگری در تجربه زندگی روزمره نوجوانان افغان. مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران. ۵ (۳) ۴۳۷-۴۵۶

علاءالدینی، پویا و میرزایی، آمنه. (۱۳۹۷). ادغام مهاجران افغانستانی در نواحی شهری ایران: مطالعه موردی محله هرندي در تهران. پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران ۸ (۱)، ۷-۲۵.

عیسی‌زاده، سعید و مهرانفر، جهانرخش. (۱۳۸۹). تأثیر مهاجران افغانی بر نرخ بیکاری در اقتصاد ایران. اقتصاد و الگو سازی. ۱ (۴) ۱۵۷-۱۸۲

کاظمی، سیمین. (۱۳۹۸). وضعیت اشتغال زنان مهاجر افغانستانی شاغل در کار دستمزدی خانگی: یک مطالعه کیفی. نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران. ۱۴ (۲۸) ۱۱۳-۱۴۰

کریمی موغاری، زهرا. (۱۳۸۳). تأثیر مهاجرین افغانی بر سطح دستمزد و اشتغال در ایران. پژوهش‌های اقتصادی ایران. ۶ (۱۸)، ۵۷-۸۸

کشاورز قاسمی، حسین و نادریور، بابک. (۱۳۹۸). گونه‌شناسی هویتی پناهندگان نسل دوم و سوم افغانستانی در ایران (با تأکید بر استان قزوین). فصلنامه جغرافیا (برنامه ریزی منطقه‌ای)، ۹ (۳۵) ۱۱۷-۱۳۳.

محمدی، یدالله، خداوردی، حسن، کشیشیان، گارینه و مطلبی، مسعود. (۱۳۹۸). علل و ویژگی‌های مهاجرت اتباع افغانستان به ایران و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران بعد از انقلاب اسلامی. رهیافت انقلاب اسلامی، ۱۳ (۴۹)، ۶۵-۸۶.

- Adams Jr, R. H. (1993). The economic and demographic determinants of international migration in rural Egypt. *The Journal of Development Studies*, 30(1), 146-167.
- Abbasi-Shavazi, M. J., & Sadeghi, R. (2016). Integration of Afghans in Iran: Patterns, levels, and policy implications. *Migration Policy and Practice*, 3, 22-29.
- Abbasi-Shavazi, M. J., Glazebrook, D., Jamshidiha, G., Mahmoudian, H., & Sadeghi, R. (2005). Return to Afghanistan. *A study of Afghans Living in Tehran*.
- Ahad, M. (2015). The determinants of international migration in Pakistan: New evidence from combined cointegration, causality and innovative accounting approach.
- Adelkhah F, Olszewska Z (2007) The Iranian Afghans. *Iranian Studies* 40:137-165.
- Barr, H., Sanei, F. (2013) Unwelcome guests: Iran's violation of Afghan refugee and migrant rights. Human Rights Watch, NY. <https://www.hrw.org/report/2013/11/20/unwelcome-guests/irans-violation-afghan-refugee-and-migrant-rights>. Accessed 18 Dec 2017
- Beine, M., & Parsons, C. (2015). Climatic factors as determinants of international migration. *The Scandinavian Journal of Economics*, 117(2), 723-767.
- Beine, M., & Parsons, C. R. (2017). Climatic factors as determinants of international migration: Redux. *CESifo Economic Studies*, 63(4), 386-402.
- Bergh, A., Mirkina, I., & Nilsson, T. (2015). Pushed by poverty or by institutions? Determinants of global migration flows.
- Berk, M. L., Schur, C. L., Chavez, L. R., & Frankel, M. (2000). Health Care Use Among Undocumented Latino Immigrants: Is free health care the main reason why Latinos come to the United States? A unique look at the facts. *Health Affairs*, 19(4), 51-64.

- Bertoli, S., Fernández-Huertas Moraga, J., & Ortega, F. (2009, May). The Determinants of International Migration Accounting for Self-Selection. In *Second Conference on Migration and Development, September, Washington DC*.
- Banerjee, P., Chaudhury, S. B. R., Das, S. K., & Adhikari, B. (Eds.). (2005). Internal displacement in South Asia: the relevance of the UN's guiding principles. Sage.
- Brück, T., Dunker, K. M., Ferguson, N. T., Meysonnat, A., & Nillesen, E. (2018). *Determinants and dynamics of forced migration to Europe: Evidence from a 3-D model of flows and stocks* (No. 11834). IZA Discussion Papers.
- Carlos, R. D. (2002). On the Determinants of International Migration in the Philippines: An Empirical Analysis 1. *International Migration Review*, 36(1), 81-102.
- Chen, J., Gee, G. C., Spencer, M. S., Danziger, S. H., & Takeuchi, D. T. (2009). Perceived social standing among Asian immigrants in the US: Do reasons for immigration matter?. *Social Science Research*, 38(4), 858-869.
- Czaika, M., & de Haas, H. (2014). The effect of visa policies on international migration dynamics.
- Czaika, M., & De Haas, H. (2017). The effect of visas on migration processes. *International Migration Review*, 51(4), 893-926.
- Czaika, M., & Hobolth, M. (2014). Deflection into irregularity? The (un) intended effects of restrictive asylum and visa policies.
- Czaika, M., & Vothknecht, M. (2014). Migration and aspirations—are migrants trapped on a hedonic treadmill?. *IZA Journal of migration*, 3, 1-21.
- Darkwah, S. A., & Verter, N. (2014). Determinants of international migration: The Nigerian experience. *Acta Universitatis Agriculturae et Silviculturae Mendelianae Brunensis*, 62(2), 321-327.
- Dashti, Z. (2022). Afghan external migration movements in the historical process. *Asya Studies*, 6(20), 301-314.
- Davenport, C., Moore, W. and Poe, S. (2003): "Sometimes You Just Have to Leave: Domestic Threats and Forced Migration, 1964-1989" *International Interactions* 29(1): 27-55.
- De Haas, H. (2011). The determinants of international migration: Conceptualising policy, origin and destination effects.
- De Haas, H., Czaika, M., Flahaux, M. L., Mahendra, E., Natter, K., Vezzoli, S., & Villares Vrela, M. (2019). International migration: Trends, determinants, and policy effects. *Population and Development review*, 45(4), 885-922.
- De Haas, H. 2021. "A Theory of Migration: The Aspirations-Capabilities Framework." *Comparative Migration Studies* 9 (1): 1–35. <https://doi.org/10.1186/s40878-020-00210-4>
- Dinbabo, M. F., & Nyasulu, T. (2015). Macroeconomic immigration determinants: An analysis of pull factors of international migration to South Africa. *African Human Mobility Review*, 1(1), 27-52.
- Fagiolo, G., & Santoni, G. (2016). Revisiting the role of migrant social networks as determinants of international migration flows. *Applied Economics Letters*, 23(3), 188-193.
- Forte, G., & Portes, J. (2017). Macroeconomic determinants of international migration to the UK.
- Gemecho, T. L., & Goshu, A. T. (2017). Logistic mixed modelling of determinants of international migration from the Southern Ethiopia: Small area estimation approach. *American Journal of Theoretical and Applied Statistics*, 6(3), 170-182.
- Grau, A. J. G., & López, F. R. (2017). Determinants of Immigration in Europe. The Relevance of Life Expectancy and Environmental Sustainability. *Sustainability* (2071-1050), 9(7).
- Hatton, T. (2014). "The Economics of International Migration: A Short History of the Debate." *Labour Economics* 30: 43-50
- Hashemi, S. R., & Özey, R. (2020). Investigating the Political Factors of Afghan Migration. *International Journal of Geography and Geography Education*, (42), 263-277.
- Jennissen, R. (2003). Economic determinants of net international migration in Western Europe. *European Journal of Population/Revue Européenne de Démographie*, 19, 171-198.

- Kikkawa, A., Gaspar, R. E., & Park, C. Y. (2019). International Migration in Asia and the Pacific-Determinants and Role of Economic Integration. *Asian Development Bank Economics Working Paper Series*, (592).
- Kim, K., & Cohen, J. E. (2010). Determinants of International Migration Flows to and from Industrialized Countries: A Panel Data Approach Beyond Gravity 1. *International migration review*, 44(4), 899-932.
- Klein, A., & Van Lottum, J. (2020). The determinants of international migration in early modern Europe: Evidence from the Maritime Sector, c. 1700–1800. *Social Science History*, 44(1), 143-167.
- Mayda, A. M. (2010). International migration: A panel data analysis of the determinants of bilateral flows. *Journal of population economics*, 23, 1249-1274.
- Melander, E. and Öberg, M. (2004). "Forced Migration: The Effects of Magnitude and Scope of Fighting." Uppsala Universitet Working Paper, Uppsala.
- Mihi-Ramirez, A., Kumpikaitė-Valiūnienė, V., & Cuenca-García, E. (2017). An inclusive analysis of determinants of international migration. The case of European rich and poor countries. *Technological and Economic Development of Economy*, 23(4), 608-626.
- Mitchell, J., & Pain, N. (2003). *The determinants of international migration into the UK: A panel based modelling approach*. London: National Institute of Economic and Social Research.
- Moore, W. H., and Shellman, S. M. (2007). Whither will they go? A global study of refugees destinations, 1965–1995. *International Studies Quarterly*, 51(4), 811-834.
- Moore, W. H., and Shellman, S. M. (2007). Whither will they go? A global study of refugees' destinations, 1965–1995. *International Studies Quarterly*, 51(4), 811-834.
- Morettini, G., Presbitero, A. F., & Tambari, M. (2012). Determinants of international migrations to Italian provinces.
- Natter, K. (2014). Fifty years of Maghreb emigration: How states shaped Algerian, Moroccan and Tunisian emigration.
- Ortega, F., & Peri, G. (2009). *The causes and effects of international migrations: Evidence from OECD countries 1980-2005* (No. w14833). National Bureau of Economic Research.
- Ortega, F., & Peri, G. (2013). The effect of income and immigration policies on international migration. *Migration Studies*, 1(1), 47-74.
- Pânzaru, C. (2013). The Determinants of International Migration: A Panel Data Analysis. *J. Pol. & L.*, 6, 142.
- Park, S., & Kim, G. (2019). Factor structures of reasons for immigration among older Asian and Latino immigrants in the United States. *Innovation in Aging*, 3(4), igz039.
- Prytula, Y., & Pohorila, N. (2012). Thematic Articles—Challenges Of Migration: Who Migrates, Why And With What Effects?. *Journal of Identity and Migration Studies*, 6(1), 3.
- Raleigh, C., Linke, A., Hegre, H., & Karlsen, J. (2010). "Introducing ACLED: an armed conflict location and event dataset: special data feature." *Journal of peace research*, 47(5): 651-660.
- Ravlik, M. (2014). Determinants of international migration: a global analysis. *Higher School of Economics Research Paper No. WP BRP*, 52.
- Rajaei, B. (2000). The politics of refugee policy in post-revolutionary Iran. *The MiddleEast Journal*, 54(1), 44–63
- Sadiddin, A., Cattaneo, A., Cirillo, M., & Miller, M. (2019). Food insecurity as a determinant of international migration: evidence from Sub-Saharan Africa. *Food Security*, 11, 515-530.
- Schmeidl, S. (1997). Exploring the causes of forced migration: A pooled time-series analysis, 1971-1990. *Social Science Quarterly*, 284-308.
- Sprenger, E. (2013). *The determinants of international migration in the European Union: an empirical analysis* (No. 325). IOS Working Papers.
- Sepehrdoust, H. (2013). The impact of migrant labor force on housing construction of Iran. *Journal of Housing and the Built Environment*, 28, 67-78.
- Schewel, K. 2020. "Understanding Immobility: Moving Beyond the Mobility Bias in Migration Studies." *International Migration Review* 54 (2): 328–355. 10.1177/ 0197918319831952.
- Turton, D., & Marsden, P. R. V. (2002). *Taking refugees for a ride?: the politics of refugee return to Afghanistan*. Afghanistan Research and Evaluation Unit (AREU).
- Ullah, M. S. (2016). Determinants of international labor migration from Bangladesh: a gravity model of panel data; 2012. *Graduate School of Economics, Ritsumeikan University*, 1-1.

- United Nations High Commission for Refugees. (2023). DAFI annual report. Retrieved from: <http://www.unhcr.org/58eb96777>
- Van Hear, N., Barbelet, V., Bennett, C., & Lutz, H. (2018). Refugia Roundtable: Imagining Refugia: Thinking Outside the Current Refugee Regime. *Migration and Society*, 1(1), 175-194.
- VanWey, L. K. (2005). Land Ownership as a Determinant of International and Internal Migration in Mexico and Internal Migration in Thailand 1. *International Migration Review*, 39(1), 141-172.
- Vogler, M., and Rotte, R. (2000). The effects of development on migration: Theoretical issues and new empirical evidence. *Journal of Population Economics*, 13(3), 485-508.
- Voicu, B., & Tufiş, C. D. (2017). Migrating trust: Contextual determinants of international migrants' confidence in political institutions. *European Political Science Review*, 9(3), 351-373.
- White, R., & Buehler, D. (2018). A closer look at the determinants of international migration: Decomposing cultural distance. *Applied Economics*, 50(33), 3575-3595.
- Zandi Navgran, L., Sadeghi, R., Afrasiabi, H., & Askari Nodoushan, A. (2024). Afghan immigrants' perceptions of integration policies in Iran. *International Migration*, 62(5), 121-145.

